

چاپ افست و

کریم امامی

ناشران بساز و بفروش

بارها بدون تجدید حروفچینی تجدید چاپ کند و به بازار بفرستد. اشتروتوبی در شکلی که از آلمان با تلفظ آلمانی نام آن به ایران رسید تنها برای تبدیل سطوح صاف حروف سربی روزنامه به سطح منحنی يك نیمه استوانه و بستن آن روی ماشین چاپ روتاتیو مورد استفاده قرار می گرفت.

يك امکان دیگر برای دست یافتن به کتابهای نایاب تکثیر آنها به روشهای فوتومکانیکی چون زیراکس است که گران تمام می شود ولی در هر حال امکانی است که وجود دارد و از نسخه برداری با دست سریعتر است و اتفاقاً زمینه‌ای است که در حال حاضر تکنولوژی چاپ در آن در حال پیشرفت و رسیدن به امکانات جدیدتر است. و حتی گفته می شود که ترکیب ماشینهای تکثیر مجهز به لیزر با کامپیوتر ممکن است در آینده بهترین وسیله چاپ کتابهای کم تیراژ باشد و هر نسخه کتاب تنها پس از دریافت سفارش خرید آن چاپ شود.

چاپ افست و چاپ سنگی

اما رایج ترین روش تجدید چاپ کتابها در حال حاضر چاپ اُفست (offset) است که شاید بد نباشد قبل از پرداختن به نتایج حاصل از شیوع این روش چاپ مختصری از اصول فنی آن بگوئیم. اولین نکته این است که چاپ اُفست و چاپ سنگی قدیمی خودمان خویشاوند هستند و يك نشانه این خویشاوندی نام کامل چاپ اُفست به زبان انگلیسی است که offset lithography است و در این ترکیب واژه لیتوگرافی به معنی چاپ سنگی است. خود واژه اُفست حاکی از این است که عمل چاپ به صورت غیرمستقیم انجام می گیرد و تصویر یا نقش حروف ابتدا به يك استوانه لاستیکی منتقل می شود و از آنجا به کاغذ. در چاپ افست و چاپ سنگی برخلاف چاپ مسطح (letterpress) یا به قول دایرةالمعارف فارسی چاپ برآمده (که سطوح برجسته

کتابی که همه نسخه‌های آن به فروش رسید نایاب خواننده می شود. هرگاه خریداران در جستجوی کتاب نایابی برآمدند و به کتابفروشیها مراجعات مکرر کردند و حتی حاضر شدند برای تهیه يك نسخه آن بهایی بیشتر از بهای تکفروشی سابق آن بپردازند ناشر کتاب یا يك ناشر بالقوه دیگر به این نتیجه می رسد که برای این کتاب معین تقاضا وجود دارد و باید به فکر تجدید چاپ آن بود. اما ناشری که قبل از تفحص در بازار تصمیم به تجدید چاپ کتابی بگیرد، ممکن است اشتباه کرده و کتاب نایابی را که برای آن تقاضا وجود ندارد از خواب بیدار کرده باشد و طبعاً زیان خواهد دید.

در گذشته، یعنی تا اواخر دهه ۱۳۳۰ تنها راه تجدید چاپ کتابها در ایران تجدید حروفچینی بود و این گرایش کم و بیش تا اواخر دهه بعد هم ادامه یافت. متن قدیم را با یا بدون حک و اصلاح دوباره حروفچینی می کردند و حروف چیده شده را روی ماشین چاپ مسطح می بستند و یکی دو هزار نسخه چاپ می کردند. بالا رفتن تیراژ باعث فرسودگی و شکستن حروف سربی می شد و مسئله پیش می آورد، و در آن ایام برای چاپ نشریات پر تیراژ مثل کتابهای درسی یا برخی مجله‌های پرطرفدار گاه مجبور می شدند نشریه را با حروفچینی مضاعف روی دو ماشین به چاپ برسانند.

يك امکان تجدید چاپ بدون تجدید حروفچینی که در فرنگ وجود داشت ولی در ایران هیچ گاه برای کار کتاب مورد استفاده قرار نگرفت اشتروتوبی (stereotypy) بود، یعنی تهیه قالب مقوایی یا پلاستیکی از يك فرم ۸ صفحه‌ای حروفچینی شده کتاب پیش از آنکه روی ماشین چاپ بسته شود، و بعد - به هنگام تجدید چاپ - استفاده از قالب مقوایی برای بازسازی حروفچینی کتاب به کمک سرب مذاب یا به کمک برق و الکترولیز. این عمل قابل تکرار بود و ناشر فرنگی می توانست يك کتاب پر فروش را بارها و

حروف مرکب می گیرند و قشری از مرکب از سطوح برجسته به کاغذ منقل می شود و بقیه کاغذ که با حروف تماس پیدا نمی کند سفید می ماند) آنچه چاپ می شود و آنچه نباید چاپ شود - نقش حروف و زمینه سفید - روی صفحه سنگ چاپ سنگی و لوحه فلزی چاپ اُفست که در ایران به زینک معروف است در يك سطح کنار هم قرار دارند. آنچه باعث می شود نقش حروف چاپ شود و زمینه مرکب نگیرد و سفید بماند از آشتی ناپذیری آب و روغن حاصل می شود. زینک که روی ماشین چاپ اُفست بسته شد در آن واحد به آب و مرکب هر دو آغشته می شود. قسمتهایی از زینک که باید چاپ شود، مرکب چرب را می پذیرد ولی آب رادفع می کند. زمینه حروف که باید سفید بماند برعکس خیس می شود و مرکب رادفع می کند. ماشین چپ خوب کسی است که بتواند، از جمله بسیاری کارهای دیگر، آب و مرکب ماشین را درست تنظیم کند. اگر آب زیاد بشود بعضی از جاهای حروف و تصاویر کمرنگ چاپ خواهد شد و اگر مرکب غلبه کند ممکن است زمینه سفید آلودگی پیدا کند.

و اما انتقال نقش حروف و تصاویر به زینک خود مرحله دیگری است از چاپ اُفست که در ایران لیتوگرافی خوانده می شود. پس از حروفچینی و نمونه خوانی و گرفتن نمونه نهایی (= نمونه سفید) و صفحه آرایی، مرحله لیتوگرافی آغاز می شود. در ابتدا از نمونه سفید ماکت شده با يك دوربین غول پیکر عکسبرداری می کنند و سپس فیلمی را که به دست می آید (به همان صورت نگاتیف [منفی] و اگر بخواهند کیفیت کار بالاتر برود با صرف هزینه بیشتر به صورت پوزی تیف [مثبت]) به ترتیب معینی که با تالی صفحات کتاب مربوط می شود کنار هم می چسبانند (= مونتاژ) و نمونه ای از فیلمهای مونتاژ شده (= اُزالید) برای رؤیت نهایی سفارش دهنده تهیه می شود. اگر اشکالی در کار نبود و اجازه چاپ داده شد، فیلم مونتاژ شده را به شیوه ای که بی شباهت به چاپ عکس نیست روی زینک حساس می گذارند، با لامپ قوی گزنون نور می دهند و زینک نور دیده پس از اینکه در محلولهای شیمیایی معینی شسته شد برای چاپ آماده می شود.

چاپ تصاویر، مخصوصاً تصاویر رنگی در روش چاپ اُفست به خوبی میسر است و نتایج کاملاً رضایت بخشی به طور معمول به دست می دهد ولی در این بحث نیازی به وارد شدن در جزئیات فنی چاپ رنگی نداریم. همینقدر کافی است که بگوییم برای چاپ «تمام رنگی» به چهار فیلم و چهار زینک و چهار بار چاپ نیاز است و هزینه کار از چهار برابر چاپ يك متن ساده (مشکی) تجاوز

می کند. و اما چاپ اُفست به دلایلی که ذکر خواهیم کرد چاپ مسطح را کم و بیش از چاپخانه های کشورهای صنعتی جهان - و با چندسال تأخیر ایران - بیرون رانده است، هر چند که در مقایسه با چاپ مسطح روش گرانتر و پیچیده تری است و تعداد مراحل کلر بیشتر است.

يك از محاسن بزرگ چاپ اُفست از نظر کارگران و دست اندرکاران صنعت چاپ این است که با سرب سروکار ندارد و چاپخانه اُفست محل پاکیزه و بهداشتی تری است. گازهای سمی حروف سربی را در آن راهی نیست و جوانان جویای کار می توانند بدون ترس از عوارض مسمومیت تدریجی سرب اُفستگری پیشه کنند. يك حسن دیگر چاپ اُفست آن است که برای تیراژهای بالا و تجدید چاپهای مکرر روش بسیار مناسبی است و برای چاپ کتاب درسی جان می دهد. حتی با تفکیک مراحل کار (حروفچینی و صفحه آرایی - لیتوگرافی: عکاسی و مونتاژ و کپی - چاپ و صحافی) هر قسمت از کار را می توان در چاپخانه ای و کشوری انجام داد، هر کجا که بالاترین کیفیت و کم ترین اجرت و کوتاه ترین زمان اجرا را به ناشر پیشنهاد کند. مرحله حروفچینی تا پایان صفحه آرایی را معمولاً ناشر در شهر خودش انجام می دهد ولی از آنجا به بعد دنباله کار را می توان در چاپخانه های دور و نزدیک ادامه داد. و این روش مخصوصاً در مورد کتابهای رنگی پرهزینه امر بسیار رایجی شده است. رواج کار رنگی و دریافت انبوهی از سفارشهای تجارتي و تبلیغاتی پر زرق و برق خود یکی از عوامل توسعه چاپخانه های اُفست و واپس ماندن چاپ مسطح بوده است.

چاپ اُفست در ایران

حالا ببینیم چاپ اُفست در ایران و برای ما چه کرده است. تصور می کنم چاپخانه بانك ملی اولین ماشینهای چاپ اُفست را وارد ایران کرده باشد. اما آغاز استفاده وسیع از چاپ اُفست در این کشور به تأسیس شرکت سهامی اُفست و احداث اولین چاپخانه شرکت در خیابان گوته^۱ در سالهای نیمه دهه ۱۳۳۰ برمی گردد. پایه گذاران چاپخانه که چشم به راه دریافت سفارشهای بزرگ کتاب درسی بودند به هدایت مؤسسه انتشارات

فرانکلین لوازم چاپ افست و روشهای حروفچینی مناسب برای آن را سفارش دادند و در عین حال امکانات چاپ مسطح را که در آن زمان هنوز منسوخ نشده بود فراموش نکردند. رشد سریع چاپخانه‌های شرکت افست در سالهای بعد به معنی وارد کردن تعداد باز هم بیشتری ماشین چاپ افست از انواع دورنگ و چهار رنگ و مخصوصاً روتاتیو چهار رنگ بود. چاپخانه‌های بزرگ دیگری هم که در همین سالها در تهران پدید آمدند (اطلاعات، کیهان، سپهر و ...) بیشتر به ماشینهای چاپ افست مجهز شدند. در سالهای دهه ۱۳۴۰ و دهه بعد ماشینهای کوچکتر چاپ افست مخصوصاً ماشین دوورقی (با سطح چاپ ۵۰ در ۷۰ سانتیمتر که در آن واحد می‌تواند هشت صفحه یک کتاب قطع وزیری را در یک طرف کاغذ چاپ کند) در بسیاری از چند صد چاپخانه کوچکتر تهران و شهرستانها نصب شدند و چاپ افست همه‌گیر شد.

در نخستین سالهای رواج چاپ افست در ایران بیشترین استفاده را از این روش چاپ ناشران کتابهای پر تیراژی می‌کردند یعنی تولیدکنندگان کتابهای درسی و ناشران متون مذهبی که بارها و بارها تجدید چاپ می‌شدند. و البته سازمانهای دولتی و آژانسهای تبلیغاتی که چاپ تمیز برایشان مهمتر از هزینه‌های چاپ بود در صف اول استفاده‌کنندگان از چاپ افست بودند. کیفیت بالاتر چاپ افست برای ناشران تجارتي به تنهایی کافی نبود و هزینه بیشتر چاپ افست و معطلی‌های آن را به راحتی هضم نمی‌کردند. بعد آدمهای زرنگ کشفی کردند. برای بعضی مقاصد، چاپ افست نه تنها گران نبود بلکه بسیار هم باصرفه بود، مخصوصاً اگر قرار نبود کسی اجرت حروفچینی و یا حق التألیف بپردازد و اگر از قبل معلوم باشد که کتاب پرفروش خواهد بود. پس افست شد وسیله چاپ غیرمجاز کتابهای پر مصرف. فرهنگ حییم و هنر آشیزی خانم منتظمی و «ریدر»های انگلیسی چاپ خارج همه به صابون افست شسته شدند و افست کردن در کاربرد اهل فن به صورت معادلی برای تجدید چاپ غیرمجاز درآمد.

در دهه ۱۳۴۰ با وجود این که چاپ اول بسیاری از کتابها به روش حروفچینی دستی و چاپ مسطح انجام می‌گرفت تجدید چاپ کتابها اغلب به شیوه افست انجام می‌شد، مخصوصاً که یک نوع افست ارزان معروف به افست تخم مرغی هم در بازار پیدا شده بود. در دهه ۱۳۵۰ اجرت حروفچینی دستی به نحو بی سابقه‌ای بالا رفت و در عین حال در همین سالها ماشین تحریر آی. بی. ام. با حافظه مغناطیسی و گویهای حروف قابل تعویض وارد بازار شد و نوعی حروفچینی سبک جدید را به ناشران عرضه کرد. استفاده از «کامپوزر» آی. بی. ام. به سرعت رواج یافت و ادامه کار به

ناچار می‌بایستی روی ماشینهای چاپ افست انجام بگیرد. تا امروز حروفچینی آی. بی. ام. و چاپ افست با فیلم و زینک نگاتیف ترکیبی است که ادامه یافته و یکی از امکانات نسبتاً کم هزینه تر چاپ کتاب - حتی ارزاتر از حروفچینی دستی و چاپ مسطح - در شرایط کنونی محسوب می‌شود. حیف که خوانندگان باریک بین حروفچینی آی. بی. ام. را نمی‌پسندند.^۲

در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰، چاپ افست همچون دستگاه زیراکس و تلفون راه دور به نحو بسیار وسیعی به خدمت سیاست گرفته شد و سیل عظیمی از کتابهای ممنوعه و سانسور شده رژیم پیشین را در مدت کوتاهی به کوچه و خیابانهای تهران و شهرستانها سرازیر کرد. آمار دقیقی از تعداد و تیراژ این عناوین افست شده در ایام انقلاب به دست ما نرسیده است ولی احساس بسیاری از کتابفروشان این است که ظرف یک سال معادل سرجمع چند سال پیش از آن یکباره کتاب تولید شد. اگر چاپ افست وجود نمی‌داشت چاپ مسطح هرگز از عهده این تولید عظیم چنین مدتی کوتاه بر نمی‌آمد. پس از فرونشستن سیلاب کتابهای «پشت سفید» بسیاری از انبارهای ناشران گرفتار تنگی جا بودند تا سرانجام اشتهای پایان‌ناپذیر کارخانه‌های مقواسازی گره‌گشایی کرد.

چاپ افست در سالهای بعد از انقلاب

امروز با وجود این که جنگ با عراق تنگناهایی از نظر وارد کردن برخی از مصالح چاپ افست مثل فیلم و زینک ایجاد کرده است، ماشینهای چاپ افست در چاپخانه‌های متعدد تهران و شهرستانها همچنان به کار مشغولند و سیطره آنها را ماشینهای چاپ مسطح به هیچ وجه تهدید نمی‌کند. چاپ مسطح در بعضی زمینه‌های محدود (چاپ کارت عقد و عروسی، فرمهای حسابداری و چاپ اول کتابهای حروفچینی شده با ماشینهای سطر زنی لاینوتایپ) چند سالی دیگر به حیات خود ادامه خواهد داد ولی چاپ افست را حالا دیگر همه، حتی خسیس ترین ناشران پذیرفته‌اند و در حال آزمودن امکانات آن برای ساخت و پرداخت کتابهای یاب بازار هستند. بیشتر امکانات چاپ افست در زمینه تجدید چاپ کتابهای قدیمی و احیای کتابهای فراموش شده به کار گرفته می‌شود منتهی به شکلی که همیشه منطبق با موازین

تصحیح شادروانان محمدعلی فروغی و دکتر قاسم غنی (چاپ اول: تهران، ۱۳۲۱ ش) که آن را اکنون دو ناشر به دو صورت جداگانه تجدید چاپ کرده‌اند؛ یک ناشر حاشیه پر نقش و نگار طلایی به تمام صفحات کتاب افزوده و یک رنگ زمینه نیز زیر متن چاپ کرده است و این کتاب رنگین شده به بهای ۷۵۰ ریال به فروش می‌رسد؛ ناشر دوم کتاب را به شکلی که در اصل بوده عیناً افست کرده و آن را به بهای ۳۰۰ ریال می‌فروشد. ترفند قدیمی‌تر چاپ عکس آرامگاه شاعر به صورت زمینه کمرنگ تمام صفحات کتاب خوشبختانه دارد از مد می‌افتد.

بزرگ کردن قطع کتاب، از جیبی به رقیعی، از رقیعی به وزیری و از وزیری به رحلی برای افزایش هرچه بیشتر بهای کتاب و بهای تکفروشی. حتی فرهنگهای حییم هم که اخیراً به شکل پاکیزه‌ای با کسب اجازه از ورثه مؤلف تجدید چاپ شده‌اند در قطع بزرگ خود یک درجه (از رقیعی به وزیری) رشد کرده‌اند. کتابهایی که از قطع جیبی در چاپ قدیم به قطع وزیری در چاپ جدید پریده‌اند به هیچ وجه کم نیستند. افت کیفیت چاپ حروف هم ظاهراً در برابر افت کلی کیفیت چاپ کتابها اهمیتی ندارد.

خوشنویسی صفحات عنوان و مقدمه. این مورد برای کتابهای مستطاب حتمی است. فراموش نکنیم که کتابهای انجمن خوشنویسان، مخصوصاً چند کتابی که به خط خوشنویس و نقاش معاصر کیخسرو و خروش در سالهای اخیر انتشار یافته‌اند همه از کتابهای بسیار پرفروش بوده‌اند.

افزودن مقدمه ظاهراً محققانه، ولی در واقع مبهم با حذف اطلاعاتی که مربوط به چاپ قبلی کتاب می‌شود. از یک مقدمه خوب چه توقعی داریم؟ اطلاعات صحیح و کافی درباره مؤلف و روزگار او و درباره جایگاه کتاب در رده تصنیفات و تألیفات مشابه و احیاناً درباره مشخصات نسخه خطی و کارهایی که مصحح روی آن انجام داده و کارهایی که در چاپ جدید روی متن انجام گرفته و تفاوتهای چاپ جدید با چاپ قدیم. از میان کتابهای بزرگ شده افستی چند کتاب را می‌شناسید که مقدمه جدید آن حاوی همه اطلاعات مطلوب ذکر شده باشد؟

اضافه کردن تصاویر ظاهراً مربوط ولی در واقع نه چندان مربوط به کتاب. چاپ افست مضمون کردن کتابها را آسان و ارزان ساخته است و حالا می‌توانیم به هر بهانه تعدادی عکس به انتهای

صحیح کار نشر نیست. و در واقع غرض اصلی از نوشتن این سطور بر شمردن همین موارد است.

چند عامل باعث شده است که تاجرترین ناشران به افست کردن کتابهای قدیمی رو بیاورند. اولین عامل توجهی است که خوانندگان در سالهای اخیر به کتابهای تاریخی و سفرنامه‌ها و خاطرات پیدا کرده‌اند و فروش این نوع کتابها، مخصوصاً انواع ایرانی آنها رونق بیشتری یافته است. دومین عامل کوتاهی نسبی مدت زمانی است که ناشر صرف تولید یک کتاب افستی می‌کند. کتابی که تألیف یا ترجمه شود و بعد از هفت خوان و ویرایش و حروفچینی و نمونه‌خوانی و صفحه‌آزایی بگذارد، اگر از تمام مراحل هم بدون معطلی اضافی گذشته باشد روزی که به پای دوربین لیتوگرافی می‌رسد اقلای یکی دو سال از یک کتاب چاپ شده نایاب عقب‌تر خواهد بود. در شرایط کنونی بسیاری از ناشران با احساس نوعی ناپیمنی ترجیح می‌دهند سرمایه‌گذاری خود را در کوتاهترین مدت به ثمر برسانند و از کارهای کند چند ساله پرهیز کنند. سومین عامل، ارزاتر تمام شدن نسبی کتابهای افستی قدیمی است در مقایسه با کتابهای چاپ اول، چون اغلب نه به کسی حق التألیف یا حق ترجمه باید پرداخت و نه اجرت حروفچینی. بسیاری از کتابهای احیا شده یکی دو سال اخیر در اصل چاپ افغانستان و ترکیه و پاکستان و لبنان بوده‌اند. مگر صاحبان حق در این کشورها از ناشران فرنگی که ما کتابهایشان را سالهاست افستی می‌کنیم گردن کلفت ترند؟ حالا کجا بپند پرفسور احمد آتش یا عبدالحی حبیبی یا نذیر احمد یا فلیکس تاور که بیابند ادعای حق التألیف کنند؟ اگر زنده‌اند باید خدا را شکر کنند که کسی به فکر تجدید چاپ آثار فراموش شده آنان افتاده است!

آنچه برای آماده ساختن عروسهای پیر برای بازار کتابهای افستی لازم است چند فقره کوچک است که می‌توان آنها را در جمع ظاهرسازی نامید، به شرح زیر:

دادن حاشیه تزئینی به متن، مخصوصاً اگر کتابی که چاپ می‌کنیم دیوان یکی از بزرگان شعر و ادب باشد. سابقه و سنت کافی هم در این امر در صنعت نسخه‌پردازی و کتابسازی وطنی موجود است. یک نمونه قابل ذکر مجموعه رباعیات خیام است به

«اندیکس» [در اصل انگلیسی thumbindexed] نشده باشد، حتی اگر به قیمت از دست رفتن لبه‌های بعضی از حروف در فرهنگهای قطع جیبی باشد.

صحافی کتاب با جلد گالینگور و روکش گلاسه و طرح جلد چهاررنگ، که حتماً دست‌پخت یکی از گرافیستهای معروف باشد. جلد کتاب همان نقش ایوان است و خواجه برخلاف تصور شاعر نیک می‌دانسته است که خانه ویران را چگونه به پول نزدیک کند. همه ناشران تجارتي ما به تجربه دریافته‌اند که جلد شیک خوش چاپ به فروش کتاب کمک می‌کند. این است که بازار گرافیستهای معروف کاملاً گرم است و بدقولی شان بدتر هم شده است.

این کارها دیگر بساز و بفروشی کتاب است، نه نشر کتاب، مخصوصاً که بسیاری از این آقایان بساز و بفروش (شاید بهتر بود می‌گفتیم بچاپ و بفروش) حاضر نیستند مواردی را که ما برای تجدید چاپ کتاب لازم می‌دانیم رعایت کنند. در این باب ما قبلاً به تفصیل سخن گفته‌ایم.^۲ در اینجا به تکرار رئوس مطالب اکتفا می‌کنیم. اینها مواردی است که ما توجه به آنها را قبل از تجدید چاپ هر کتاب ضروری می‌دانیم:

● ارزیابی دقیق کتاب و تشخیص ارزش تجدید چاپ آن. کتاب به خواننده امروز چه می‌دهد؟ آیا کتاب منسوخ شده نیست؟

● رعایت حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده یا پدیدآورندگان اثر اگر زنده باشند و یا اینکه هنوز سی سال از مرگشان نگذشته باشد.

● رعایت حقوق معنوی پدیدآورندگان اثر هرگاه کتاب به علت مرور زمان در حیطه مالکیت همگانی قرار گرفته باشد. از این قماش است تغییر عنوان، برداشتن نام مؤلف از اثر و حتی دست بردن در نثر مؤلف به بهانه ساده کردن یا امروزی کردن آن.

● رعایت حقوق ناشر قبلی اثر در حدی که به نشر کتاب و نیز کارهای انجام گرفته روی متن مثل ویرایش و یا حرف‌چینی مربوط می‌شود.

● زدودن غلطهای چاپی از کتاب مخصوصاً وقتی غلطنامه آماده‌ای موجود باشد (حتمی است).

● افزودن اطلاعات جدید به کتابهای مرجع توسط مؤلف یا مترجم اصلی یا توسط شخص صالح دیگری با اطلاع و

کتاب اضافه کنیم. بسیاری از کتابهای تجدید چاپی به تاریخ قاجاریه مربوط می‌شوند و چهره‌های رجال قاجاری را اکنون لا بلای اوراق کتابهای بسیاری می‌توانیم مشاهده کنیم. حتی اگر کتاب به عصر ناپلئون مربوط شود، که هم‌عصر فتحعلی شاه بوده است. گاه همه چهره‌های آشنای قاجاری دورانه‌های بعد از فتحعلی شاه هم در کتاب موجود است. آنچه موجود نیست اغلب توضیحات دقیق درباره هویت رجالی است که جلو دوربین‌های قدیمی آن زمان چند ثانیه‌ای بی حرکت ایستاده یا نشسته بودند

تهیه فهرست اعلام. نه يك فهرست جامع راهنما بلکه چند فهرست تفکیک شده به اشخاص و مکانها و قبایل و میوه‌ها که برای خودش سبکی است و به جای چند صفحه چندین صفحه کتاب را می‌تواند پر کند، مخصوصاً اگر با حروف ریز هم چاپ نشود و برای تکمیل شئون کتاب همچنان به دست خوشنویس سپرده شود. بسیاری از این گونه فهرستها که به صورت مکانیکی تهیه می‌شوند استفاده عملی زیادی برای خواننده ندارند.

مصور ساختن آستر بدرقه کتاب، و مزین ساختن آن به يك عکس یا نقاشی قدیمی. کتابهایی که با ته‌دوزی و جلد محکم مقوایی با پوشش گالینگور (کالیکو) یا سلوفان صحافی می‌شوند در ابتدا و انتهای آنها دو ورق کاغذ کلفت وجود دارد که آستر بدرقه خواننده می‌شود و يك طرف آن را به مقوای جلد می‌چسبانند. ناشران اغلب از آستر بدرقه استفاده تزینی می‌کنند و آن را یا به رنگی متناسب با جلد کتاب درمی‌آورند و یا با يك نقش تزینی که تناسبی با موضوع کتاب داشته باشد می‌آرایند. استفاده از آستر بدرقه مصور در کتابهای افستی رونق گرفته است ولی تصاویر انتخاب شده همیشه پیوند محکمی با محتوای کتاب ندارد.

«انگشتی» کردن فرهنگها. با احداث کارگاهی که با قابلیت از عهده سوراخ کردن لبه کتابها و چسباندن حروف اول الفبا در این حفره‌ها برمی‌آید این کار هم در يك دو سال اخیر رواج خاصی یافته است و دیگر فرهنگی منتشر نمی‌شود که به اصطلاح

رضایت مؤلف یا مترجم اصلی.
● ذکر سوابق چاپ و عنوان دقیق کتاب هر گاه عنوان آن در چاپ جدید تغییر کرده باشد.

حروفچینی خوب و فواصل صحیح، با چاپ تمیز و صحافی محکم. تجربه‌های امروز در تألیف و ویرایش، و تواناییهای جدید در حروفچینی و چاپ باید همچنان به کار گرفته شوند تا کتابهای خوب فردا، کتابهایی که رؤیت و لمس هر کدام شوق خواندن را در خواننده برانگیزد شکل بگیرند و پرورده شوند و سرانجام به بازار بیایند. اما در این میان غیر از شور و شوق مؤلف یا مترجم چه عواملی وجود دارند که به ناشران جدی اجازه می‌دهند کار دشوار و طولانی و پرهزینه تدارک کتابهای خوب را دنبال کنند و از نیمه‌راه یا کنار نکشند و یا به بساز و بفروشها نیبوندند؟ جواب روشن است. اعتماد به آینده نشر و فراهم بودن تسهیلات و امکان حیات برای ناشران خوب بخش خصوصی یا دولتی که ثابت کرده باشند، یا ثابت کنند، که نیتشان خیر و کارشان جدی است.

حال که به ذکر معایب و محاسن چاپ افست مشغولیم بد نیست این را هم ذکر کنیم که شنیده می‌شود برخی از کتابهای چاپ ایران را اخیراً رندان هموطن در فرنگستان افست کرده‌اند، البته بدون اطلاع و کسب اجازه و پرداخت حق و حقوق و غیره، و از این قبیل است کتاب آشنیزی خانم منتظمی و حافظ قزوینی - غنی. طبیعی است وقتی برای کتاب یا کتابهایی تقاضا وجود دارد و آن کتابها به تعداد کافی به دست متقاضیان نرسد کسی پیدا خواهد شد که از این خلأ بهره‌برداری کند. مؤلفان و ناشران ایرانی کتابها هم بچشند از آنچه قبلاً بسیاری از مؤلفان و ناشران فرنگی چشیده‌اند! برای جلوگیری از کار افست کاران فرنگ بدون وارد شدن در تغییرات و تعهداتی که ظاهراً هیچ کس برای آن آمادگی ندارد راه آسانی موجود نیست. شاید آسان‌ترین کار ایجاد تسهیلاتی برای صادر کردن کتابهای فارسی به خارج باشد.

در پایان این مقال بد نیست نیم‌نگاهی به آینده بیفکنیم و از خود بپرسیم چاپ افست و در واقع جماعت افستکاران، صنعت نشر ما را در کدام جهت سوق می‌دهند و به کجا می‌رسانند؟ شك نیست که عروسان پیر در تداوم کار نشر کتاب تنها يك جریان گذرا هستند و احیای کتابهای کهنه را نباید و نمی‌توان يك رکن اساسی از کار نشر به حساب آورد. تنها در شرایط خاص کنونی است که امکانات فنی چاپ افست و توجه خوانندگان به کتابهای تاریخی این رده از کار نشر را برای ناشران شتابکار و پخته‌خوار شیرین ساخته است. ولی این وضع موقتی است و تا ابد ادامه نخواهد یافت. این آقایان بساز و بفروش بعد از کتابهای چاپ سنگی و کتابهای چاپ بیروت و لیدن سراغ چه کتابهایی خواهند رفت؟ از هم اکنون شواهدی در دست است که بازار کتابهای احیاشده به سرعت در حال اشباع شدن است و خریدارانی که گول زرق و برق جلد و روکش اولین کتابهای قدیمی افستی را خورده بودند از خرید خود پشیمانند. تنها کسانی پشیمان نیستند که هنوز سعی در خواندن این کتابها نکرده‌اند. کسانی که بر خوردی جدی با بسیاری از کتابهای افست شده داشته‌اند از شاق بودن خواندن آنها، از کثرت غلطهای چاپی در آنها و از مغشوش بودن و منسوخ بودن اطلاعات در بسیاری از آنها گله‌مندند. این کتابها کجا و يك کتاب جدی امروزین چون دایرةالمعارف فارسی مصاحب کجا؟ با نشر روشن و موجز، با اطلاعات صحیح، با شیوه خط یکدست، با

- (۱) دومین چاپخانه شرکت افست در سرخه حصار تهران، کنار جاده آبدلی واقع است و به علت تمرکز تعداد زیادی ماشین افست روتاتیو چهاررنگ در زیر يك سقف بدون شك از بزرگترین چاپخانه‌های دنیا محسوب می‌شود.
- (۲) ایرادهای اصلی که به حروفچینی آی. بی. ام. گرفته می‌شود از این قرار است: خوش قلم نیست و گوی مروراید که گوی اصلی آن و معادل حروف نازک در حروفچینی سنتی است زیاده از حد لاغر است به طوری که خواننده کتاب را جدی نمی‌گیرد و آن را نوعی گزارش اداری تلقی می‌کند. يك اشکال دیگر ماشین «کامپوزر» این است که همه حروف را به يك اندازه می‌زند و برای حروفچینی عنوانهای فرعی (درشت تر از متن) یا پاورقی (ریزتر از متن) امکاناتی ندارد. امکان اعرابگذاری هم ندارد. برای استفاده از حروف متفاوت هم گویها را باید مرتباً عوض کرد و غیره.
- (۳) نگاه کنید به نشر دانش، شماره چهارم، سال چهارم، صص ۵۹ و ۶۰ در مقاله «در آیین نشر کتابهای خوب».

